



وقتی دنیا یک جور عجیبی فلوت است!

حالا که دارم با شما حرف می‌زنم، دنیا یک جور عجیبی خلوت است! مدرسه‌ها تعطیل است، هواپیماها، کشتی‌ها، اتوبوس‌ها و قطارهای زیادی سر جایشان مانده‌اند و خیلی از مردم در دنیا در قرنطینه زندگی می‌کنند.

اگر چه بشر چیزهایی مثل جنگ‌های وحشتناک یا بیماری‌های همه‌گیر را از سر گذرانده اما شاید این اولین تجربه‌ی بزرگ جهانی است که ما شاهد آن هستیم. اما نگرانم که نکنند چیزهایی را که از تجربه این بیماری همه‌گیر یاد گرفته‌ایم دوباره فراموش کنیم! وقتی کارخانه‌ها تعطیل بود آسمان فرصت کرد تا آبی‌تر شود و سوراخ لایه اوزون را ترمیم کند. وقتی کشتی‌ها در بندرها مانده بودند ماهی‌ها فرصت کرده بودند بچه‌هایشان را بزرگ کنند و جنگل‌ها و جانوران با آرامش بیشتری زندگی کردند و گرمایش جهانی کم‌تر شد.

همه‌ی این اتفاقات به ما نشان داد که باید شکل زندگی‌مان را تغییر بدهیم. نشان داد که کره‌ی زمین تنها مال آدم‌ها نیست و ساکنان دیگرش درخت‌ها و جانوران هم فرزندان زمین هستند و حق دارند با آرامش و شادی زندگی کنند. وقتی نمی‌توانستیم از خانه بیرون برویم، یاد گرفتیم که حق نداریم جانوران را در قفس نگاه داریم. آن هم نه برای یک مدت کوتاه، بلکه برای تمام عمر! (حتی خیال در قفس بودن برای تمام عمر هم ترسناک است. نه؟)

بچه‌ها دنیا دوباره شلوغ خواهد شد، اما ما درس‌مان را گرفته‌ایم، نه؟

مرجان فولادوند

• تصویرگر: سلماز جهانگیری